



یادگیری و حجم اطلاعات

مهدیه مهدویان

کارشناس گروه ناشنوایان

عضو گروه تألیف کتابهای مطالعات اجتماعی

خود از لغات بسیار اندکی برخوردار است. یک کودک عادی به هنگام ورود به دبستان بالغ بر ۵۰۰۰ لغت می‌داند اما مجموعه لغات یادگرفته کودک ناشنوا، اگر آن هم خوب آموزش دیده باشد بسیار اندک است.

به‌خاطر همین تفاوت فاحش است که در روند آموزش دوره ابتدایی دانش آموز ناشنوا دچار مشکلات اساسی آموزشی می‌شود. بسیاری از مفاهیم را نمی‌داند.

مشکلات چندین ساله کتابهای درسی گروهی را بر آن داشت تا در تدارک کتب خاصی برای کودکان ناشنوا مطابق با نیازهای آن‌ها و با توجه به شرایط یادگیری آنان باشند.

کلمات یا اصطلاحات انتزاعی را درک نمی‌کند. در حالی که معلم او را وادار می‌کند یک سری لغات و الفاظی را که هنوز از نظر آوایی صحیح نمی‌خواند حفظ کند تا در نمرات نلت سوم موفق شود. آن وقت است که در تعطیلات تابستانی براساس نظریه‌های فراموشی هر چه خوانده و حفظ کرده به فراموشی می‌سپارد.

این مشکلات چندین ساله گروهی را بر آن داشت تا در تدارک کتب خاصی برای کودکان ناشنوا مطابق با

سال‌های سال مشکل آموزش دروس به کودکان دارای نقص شنوایی افکار بسیاری از معلمان و مسؤولین امر را به خود اختصاص داده بود. دانش آموز ناشنوایی که از نظر شنیداری مطابق جامعه خود پیشرفت نمی‌کند چرا باید هم‌بای دیگر دانش آموزان عادی درس بخواند؟

کودک ناشنوا به علت نقص در شنیدار در محفوظات خود از لغات بسیار اندکی برخوردار است.



فراگیری این دروس چه کمکی به آینده او می‌کند. جز اینکه او را مجبور می‌سازد یک سری اسامی و داستان‌هایی را حفظ نماید که آن هم به علت عدم ثبات و پایداری در حافظه پس از مدتی کوتاه از یاد می‌رود آیا پس از فراموشی مطلب مناسبی جایگزین در حافظه او می‌شود؟! کودک ناشنوا به علت نقص در شنیدار، در محفوظات





نیازهای آن‌ها و با توجه به شرایط یادگیری آنان باشد. کتاب مطالعات اجتماعی یکی از آن کتب تغییر یافته می‌باشد. از ویژگی‌های این کتاب در نظر گرفتن شرایط و نیاز دانش‌آموزان ناشنوا می‌باشد. ضمن اینکه مطالب در حد فهم آنان و کوتاه نوشته شده است به ویژگی‌های

❖ جایگاه زمان برای کودکان ناشنوا جایگاه اصلی خود را ندارد.

اساسی و در واقع تفاوت‌های فردی کودکان ناشنوا و عادی اهمیت بسیار داده شده است. یکی از این ویژگی‌ها مشکل جایگاه زمان است. همانطور که می‌دانیم زمان برای کودکان ناشنوا جایگاه اصلی خود را ندارد. قدیمی‌ترین زمان و یا کهن‌ترین سال‌ترین فرد برای او در پدربزرگ و مادربزرگش خلاصه می‌شود. یعنی آن‌هایی را که می‌بیند، درک می‌کند. آن‌ها حتی نمی‌توانند زمان قبل از پدربزرگشان را درک کنند یا مثلاً این‌که بگویند پدربزرگشان چند سال قبل به دنیا آمده است. زمان گذشته تنها از زمانی برای آن‌ها مفهوم دارد که خود به یاد می‌آورند و مفهوم زمان‌های دور برایشان نامعلوم است. این مورد یکی از بزرگ‌ترین مشکلات آموزش زمان برای ناشنوایان است. آنجا که می‌خواهیم به آنان یاد بدهیم ایلامی‌ها و بابلی‌ها حدود ۵۰۰۰ سال قبل دولت‌هایی تأسیس کردند، یا حدود ۲۰۰۰ سال بعد دولت‌های ایلام و بابل به دست دولت آشور از میان رفت. زمان دو یا پنج هزار سال برای آنان مفهومی نامعلوم می‌باشد.

این مورد را چگونه آموزش دهیم در صورتی که او هرگز مفهوم پنج هزار سال قبل را درک نمی‌کند؟ و معلم تنها می‌تواند بگوید در زمان‌های خیلی خیلی قبل. آیا با داشتن بازمانده‌هایی از بنای تاریخی تخت جمشید می‌توانیم به

دانش‌آموزان ناشنوا تفهیم کنیم که این بنا در ۲۵۰۰ سال قبل توسط چه سلسله‌ای و چه افرادی در این محل ساخته شده است؟ آیا کودک ناشنوا که جز نام خانواده و دوستان خود را آن‌هم با هزاران سختی و مشقت بر زبان نرانده، می‌تواند اسامی دشوار لودی، سارد و ... را به زبان آورد؟ چرا باید دانش‌آموز ناشنوا ما حفظ کند که اسکندر مقدونی در زمان داریوش سوم به قصد جهان‌گشایی به ایران حمله می‌کند و تخت جمشید را به آتش می‌کشد، در صورتی که هنوز نمی‌داند اسکندر کیست؟ داریوش سوم یعنی چه؟ جهان‌گشایی چه معنایی دارد؟ چرا باید ترتیب سلسله هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان، خوارزمشاهیان و ... و شاهان هر سلسله را از حفظ کند. در صورتی که به کاربردن این اسامی هیچ‌گاه در زندگی برایش موثر نخواهد بود. او هرگز نمی‌تواند حتی بیست و دو سال قبل خود را درک کند. نمی‌تواند درک کند که حکومت، بیست و دو سال قبل در ایران چگونه بود؟

پس چرا باید یک سری داستان‌ها و اسامی دشوار را تنها برای مدتی کوتاه به حافظه بسپارد خود را با یادگیری آن‌ها آزار دهد در صورتی که همه می‌دانیم این موارد نیاز او را برطرف نمی‌کند بلکه گرهی بر گره کور آموزش او می‌افزاید. شناخت گذشتگان و در واقع تاریخ، مفهوم مهمی است، ولی سخن این است که این آموزش چه زمان انجام گیرد؟ مگر نه این‌که او ابتدا باید خودش و محیطش را بشناسد تا بعد بتواند به موارد دیگر بپردازد؟ به نظر شما اگر دانش‌آموزان عادی در این سن ندانند که نادرشاه افشار پس از تاجگذاری و تشکیل سلسله افشاریه به افغانستان حمله می‌کند و شهرهای بلخ و کابل و قندهار را تصرف می‌کند و بعد به هندوستان می‌رود و محمد شاه



(۱) کتاب مبانی اجتماعی، سال چهارم، فصل ۲، ص ۳۶





گورکانی را در دهلی شکست می‌دهد و ... چه اتفاقی می‌افتد؟^۱ اگر آنان ندانند که مهرداد دوم با رومیان روابط دوستانه برقرار کرد اما پس از مدتی یکی از سرداران روم به نام کراسوس به ایران حمله کرد و سورنا سردار ایرانی در یکی از شهرهای بین‌النهرین با کراسوس جنگید و سپاه روم را شکست داد... چه چیزی تغییر می‌کند؟^۲

مزید بر آنکه دانش‌آموزان ناشنوای ما باید با حداقل لغات محفوظی خود پایه‌های دانش‌آموزان شنوا که هزاران واژه معنادار را قبل از آموزش می‌دانند راه بروند. این مطالب را بخوانند و حفظ کنند. در این جا است که فرق دانش‌آموزان ناشنوا و شنوا طبق نظریه آزرابل^۳ مشخص می‌شود. آزرابل می‌گوید: برای آموزش و یادگیری نیاز به ساخت شناخت^۴ داریم. نیاز به پیش‌سازمان دهنده^۵ داریم اما کدام ساخت؟ کدام شناخت؟ دانش‌آموز ناشنوا که حتی مفهوم انتزاعی روابط دوستانه را نمی‌داند! اگر بخواهد کلمه یکی از سرداران را معنا کند، اگر خیلی هم دقیق باشد فکر می‌کند یکی از سرهای برادر رفته است. چگونه پیش ساخت داشته باشد؟

از ویژگی‌هایی کتاب مطالعات اجتماعی ویژه ناشنوایان این است که از ابتدا به مفهوم هویت یعنی اساسی‌ترین موضوع پرداخته است.

درست است دانستن و آگاهی داشتن از پیشینیان و گذشتگان امری بدیهی است اما چرا حالا؟ چرا در زمانی که آن‌ها حتی یک هزارم دانسته‌های کودکان عادی را ندارند؟

«حال با توجه به دانش جغرافیا، آیا به نظر شما دانستن نام یک رود و یک دریاچه بزرگ در آمریکای شمالی^۶ آنقدر مهم است؟ در حالی که رودهای اطراف شهر یا استان خود را دقیق نمی‌شناسد؟ او نمی‌داند بزرگ‌ترین رودخانه‌ای

که در شهرش جریان دارد چه نام دارد؟ آیا اگر نداند که رودهای ادر - الب - راین - لوارد نیپر و دن رودهایی هستند که به دریای بالتیک و دریای شمال در قاره اروپا می‌ریزند چیزی تغییر می‌کند؟ آیا کودک ماسفری

مطالعات اجتماعی طبق نظریه آزرابل ابتدا هرم سافت شناختی را تثبیت نموده است و به صورت یک پله در نردبان مهم نموده سپس وارد مرحله بعدی آموزش شده است.

به قاره استرالیا دارد که باید آن اطلاعات را آن هم در آن سن و سال بدست آورد؟

از ویژگی‌هایی کتاب مطالعات اجتماعی ویژه ناشنوایان این است که از ابتدا به مفهوم خویش یعنی اساسی‌ترین موضوع پرداخته است. ابتدا خودشناسی را به بچه‌ها تفهیم نموده. سپس مرحله به مرحله دوایر متحدالمركز را گسترش داده و از مفاهیم اصلی به ترتیب وارد مفاهیم فرعی شده است.

مطالعات اجتماعی طبق نظریه آزرابل ابتدا هرم ساخت شناختی را تثبیت نموده است و به صورت یک پله در نردبان محکم نموده سپس وارد مرحله بعدی آموزش شده است. در اینجا لازم است به معرفی نظریه آزرابل و متغیرهای قابل بحث این نظریه به طور اجمالی بپردازیم و سپس نتیجه‌گیری در موارد گوناگون را عنوان نماییم.

دیوید آزرابل واضح نظریه یادگیری معنی‌دار کلامی^۷

۱) کتاب تعلیمات اجتماعی برای سال پنجم درسی ۱۵ ص ۱۱۶

۲) کتاب روش تدریس اجتماعی برای سال چهارم درسی ۱۱ ص ۱۰۸

3) d. atusubel

4) Cognition - Structure

5) advance organizers

۶) کتاب جغرافیا برای سال پنجم درسی ۲۰ ص ۶۲

7) meaningful verbal learning

می‌باشد. هدف عمده روانشناسی و یادگیری برای او فرایند یادگیری در کلاس درس می‌باشد. او برای اعلام نظریه خود به چندین متغیر اشاره می‌کند که به ترتیب عنوان می‌گردد.

۱- هرم ساخت‌شناختی

در نظریه آزوئیل ساخت شناخت و تغییراتی که بر اثر یادگیری صورت می‌گیرد اساس یادگیری را تشکیل می‌دهد. در این نظریه ساخت شناخت عبارتست از مجموعه‌ای از اطلاعات، مفاهیم، اصول و تعمیم‌های سازمان یافته که فرد قبلاً در یکی از رشته‌های دانش آموخته است.

پس ساخت شناخت دلالت می‌کند بر دانش‌های کلی و عمده فرد در یک زمینه بخصوص علمی و تحصیلی. بر طبق این نظریه ساخت شناخت هر فرد به صورت یک هرم فرضی در نظر گرفته شده که کلی‌ترین مسائل و مفاهیم در رأس هرم، مفاهیمی که از کلیت کمتری برخوردارند در میانه هرم و اطلاعات جزئی دانش در قاعده هرم قرار دارد.

در این هرم هر مطلبی از مطلب دیگر که بالاتر باشد کلی‌تر، انتزاعی‌تر و خلاصه‌تر عنوان شده است. در اینجا بخاطر نوع آموزش و حفظیات دانش‌آموزان ناشنوا بیشترین اندوخته‌ها در قسمت قاعده هرم قرار دارد.

۲- معنی‌دار بودن یادگیری

معنی در نظریه آزوئیل جایگاه مهمی دارد. معنی به وجود نوعی قرینه^۱ یا معادل ذهنی^۲ در ساخت شناخت وابسته است یعنی وقتی مفهومی معادل با مفاهیمی باشد که از پیش در ساخت شناخت فرد وجود دارد آن مفهوم معنادار است. پس مطالب معنی‌دار به مطالب یاد گرفته شده قبلی مربوط می‌شوند در حالی که مطالب آموخته شده به صورت طوطی‌وار^۳ به‌طور پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر در ذهن انباشته می‌گردد.

چنانچه دانش‌آموزان ناشنوا بسیاری از مطالب تاریخی را به صورت طوطی‌وار با نبودن پیش‌زمینه قبلی حفظ می‌کنند. بنابراین اگر یادگیرنده بتواند مطالب جدید را به مطالب قبلی خود مربوط سازد یادگیری او معنی‌دار می‌شود. اما اگر محفوظات او بر اثر تکرار و تمرین بدست آمده باشد ارتباطی با یکدیگر پیدا نمی‌کند و جنبه طوطی‌وار خواهد داشت. اگر بخواهد داستان سورنا و کراسوس^۴ را یادگیری می‌بایست چندین بار از روی آن بنویسد یا هر روز با امتحانات پی در پی و خسته‌کننده در کسب یک نمره ۱۶ و ۱۷ باشد. حالا تصور کنید درس را یاد گرفته است، چون ساخت شناخت واقعی ندارد یادگیری‌اش به صورت طوطی‌وار می‌باشد.

یادگیری هجاها یا کلمات و مفاهیم در صورتی که ارتباطی با مطالب آموخته شده قبلی نداشته باشد صرفاً از طریق حفظ طوطی‌وار یا حفظ حرف به حرف (در ناشنوایان با تعداد انگشت به جای کلمات) میسر است. مثلاً اگر دانش‌آموزان مفهوم شمال و غرب را به خوبی آموخته باشند برای یادگیری مفهوم شمال غربی با توجه به پیش شناخت صحیح جهت شمال غربی را بخوبی تشخیص می‌دهند نه تنها به عنوان جهت فرعی بلکه به عنوان تشخیص در هر مکان و محل.

۳- یادگیری مطالب معنی‌دار

منظور از این مورد ایجاد ارتباط بین دو مطلب تازه و مطلب قبلی است که در کتاب مطالعات اجتماعی به وضوح تکرار شده است. وقتی مطالب تازه وارد ساخت شناخت می‌شوند هر یک در جای مناسب خود در زیر مطالب

- 1) Cornea
- 2) mind equivalent
- 3) rote learning

(۲) کتاب معنای اجتماعی، ج ۱، چهارم دبستان، ص ۱۱۱



شناخت باشد. اما در شمول همبستگی مطلب تازه، مورد بخصوصی از مطالب و مفاهیم موجود در ساخت شناختی ندارد و یادگیری از طریق همبستگی صورت می‌گیرد.

* تا زمانی که مطلب جدید از مطالبی که با آنها ادغام شده است قابل تمییز باشد یادآوری آن مطلب امکان‌پذیر است اما اگر این مطلب مورد استفاده قرار نگیرد به تدریج با گذشت زمان تمایزش را با ساخت شناخت از دست می‌دهد و قابل یادآوری نخواهد بود. پس بر طبق این نظریه مطلب یاد گرفته شده در ابتدا قابل یادآوری است. (حتی برای یکی دو روز) اما پس از مدتی که بدون استفاده ماند (چند درس جلوتر) دیگر قابل یادآوری نمی‌باشد اما قابل بازشناسی^۴ است. (برای امتحان ثلث) یادگیرنده قادر به یادآوری آن نیست و اگر این مطلب باز هم بدون استفاده بماند (مثل بسیاری از دروسی که شرح داده شد) یادگیری مجدد آن بازآموزی است و پس از آن فرایند شمول زوال صورت می‌گیرد. که عبارتست از زوال هویت و استقلال مطلب یاد گرفته شده بر اثر مرور زمان.

به اعتقاد آزوبل نقش شمول زوال کاهش بار حافظه و افزایش کارایی ساخت شناختی است. یعنی اگر فراموشی صورت نگیرد نمی‌توان مطالب جدید آموزشی را به خاطر سپرد. اما چه مطالبی جایگزین آن مطالبی باشد که در اثر بی‌استفاده بودن فراموش می‌شود؟ علت فراموشی چیست؟ مگر نه اینکه می‌گوییم چون کارایی ندارد، چون غیر قابل استفاده است، فراموش می‌شود؟ پس چه کنیم که مطالب آنقدر مهم بوده و کارایی داشته باشد که همیشه در خاطر بماند؟

۵- عوامل مؤثر در یادگیری و یادداری مطالب معنی‌دار

- 1) Subsumption
- 2) recall (remember)
- 3) correlative
- 4) ...
- 5) recognition



جامع و کلی قرار می‌گیرند که در این صورت یادگیری صورت می‌گیرد اما اگر قابل ربط نباشد ساخت شناخت مناسب پیدا نمی‌کند.

۴- شمول‌کننده‌ها

آزوبل جذب شدن مطالب جدید به هرم ساخت شناختی را مشمول می‌نامد و می‌گوید: فرایند مشمول مربوط به ساختن مفهومی تازه به مفهومی که از پیش در ساخت شناخت موجود بوده است، می‌باشد پس این فرایند موجب تغییر یافتن هر دو مفهوم، یعنی معنی دادن بیشتر به آن دو می‌شود. پس مشمول‌کننده آزوبل همان مفهوم کلی یا اندیشه کلی متداول است. در نتیجه می‌توان گفت: یادگیری معنادار فرایندی است که در آن مطلبی مشمول مطلب کلی‌تر دیگری می‌شود. مشمول‌کننده اشتقاقی^۱ و مشمول‌کننده همبستگی^۲ از انواع مشمول‌کننده‌ها هستند. در مشمول‌کننده اشتقاقی می‌بینیم: مطلب تازه آنقدر به مطالب ساخت شناختی شباهت دارد که می‌توان آن را مستقیماً بخش مشتق شده‌ای از آن مطالب دانست.

۱- به اعتقاد آزوبل نقش شمول زوال کاهش بار حافظه و افزایش کارایی ساخت شناختی است. یعنی اگر فراموشی صورت نگیرد نمی‌توان مطالب جدید آموزشی را به خاطر سپرد.

مثلاً کودک ابتدا مفهوم همسایه را به عنوان زهرا خانم که بیمار بوده و با آنان هم محله بوده است یاد گرفته. بعد از آن با همسایه‌های شهر و استان خود آشنا شده پس مفهوم همسایه به صورت ساخت شناختی در ذهن او یابدار شده است. حال با استفاده از این دو مطلب مفهوم همسایه‌های ایران را به او می‌آموزیم.^۳

شمول اشتقاقی زمانی صورت می‌گیرد که مطلب مورد یادگیری مثال مشخصی از یک مفهوم جا افتاده در ساخت





به صورتی خلاصه معرفی کردند و بعد به دنبال این کلیات به تدریج مطالب فرعی‌تر و جزئی‌تر معرفی شوند.

همانطور که در کتاب مطالعات اجتماعی پنجم مقدماتی صفحه ۶۲ ابتدا در مورد کوه و ناحیه کوهستانی با معرفی آن صحبت می‌شود، پس از ارائه مطالب لازم به ترتیب به موارد فرعی مثل قله، رشته کوه، دامنه، کوهپایه و... اشاره می‌شود. یا ابتدا مفهوم کلی جنگ برای آنان با استفاده از وقایع دیدنی در تلویزیون عنوان می‌شود (جنگ ایران و عراق درس ۷ پنجم مقدماتی) سپس درباره جنگ حضرت علی (ع) و واقعه عاشورا مطالبی در گذشته عنوان می‌شود.

پس در روش آموزشی آزرابل پیش سازمان دهنده‌ها نقش اصلی را به عهده دارند. پیش سازمان دهنده مجموعه‌ای از مفاهیم مربوط به مطلب یادگیری است که بیش از آموزش جزئیات تفصیلی مطلب، در اختیار یادگیرنده گذاشته می‌شود. پیش سازمان دهنده در واقع یک مفهوم کلیدی است که بایه یادگیری مطالب بعدی را تشکیل می‌دهد. نقش آن تدارک مجموعه‌ای از مفاهیم جامع که مفاهیم و اطلاعات جامع تحت شمول آن قرار می‌گیرند می‌باشد. پیش سازمان دهنده‌ها در دو مورد به یادگیرنده کمک می‌کند.

الف: زمانی که یادگیرنده از پیش، مطالب مشابه با مطلب جدید را نیاموخته است که بتواند مطلب جدید را به آن ربط دهد.

ب: زمانی که یادگیرنده اطلاعات مشمول کننده لازم را قبلاً آموخته است اما رابطه بین آنها و مطلب جدید برای او روشن نیست.

آزرابل در نتیجه‌گیری و پژوهش درباره پیش سازمان دهنده عنوان می‌کند که استفاده از پیش سازمان دهنده به ویژه زمانی که سروکار معلم با یادگیرندگانی که از نظر توانایی کلامی ضعیف هستند یا درباره موضوع درسی

همانطور که دانستیم ساخت شناخت یادگیرنده در زمان یادگیری مهم‌ترین عامل تأثیر گذارنده بر یادگیری و یادداری مطالب جدید است. عواملی که سبب بهبود ساخت شناخت و در نتیجه افزایش کیفیت یادگیری و یادداری می‌شوند، عبارتند از:

سازمان، ثبات و روشنی دانش یادگیرنده در لحظه یادگیری. یعنی اگر شرایط فوق برقرار باشد یادگیرنده به طور معنی‌دارتر و سهل‌تر یاد می‌گیرد و نگهداری آن هم در حافظه بیشتر است. یکی از تدابیر آموزشی در کتب جدید التالیف همین مورد است. یعنی روشنی دانش یادگیرنده برحسب موارد قابل استفاده کمک مؤثری در یادگیری می‌نماید. به عنوان مثال استفاده از فزازهایی از تاریخ به جای عنوان نمودن همه مطالب تاریخی نقش مؤثری در به یادداشتن مطالب دارد. آن زمان که دانش آموز به علت تداوم و پیوستگی تاریخ و سلسله‌های گذشته مطالبی به صورت طوطی‌وار، حفظ می‌نماید در نهایت چیزی از گذشته نمی‌داند مگر لغات بی‌مفهومی که حفظ نموده است. در کتب جدید تنها به فزازهایی از تاریخ به عنوان مبحث تاریخی اشاره شده است. تنها به نام بردن داریوش به عنوان کسی که بنای تاریخی تخت جمشید را ساخته است یا کریم خان، کسی که مسجد و بازاری به نام او در شیراز است، اکتفا شده و تحت عنوان تاریخ گذشتگانمان عنوان شده است. حال با یادگرفتن این مطالب مختصر، ولی در حد اطلاعات می‌توانیم خسرو پرویز را که به نوعی در دومین فراز تاریخی یعنی تاریخ اسلام اثر داشته است مطرح نماییم. سومین فراز تاریخی عنوان تاریخ معاصر است که به وفور در مراسم و برنامه‌های تلویزیونی می‌بیند و شناخت زیادی دارد.

۶- پیش سازمان دهنده

مطالب درسی باید طوری طرح ریزی و ارائه شوند که ابتدا کلی‌ترین - جامع‌ترین و انتزاعی‌ترین مفاهیم و اندیشه‌ها



۱- مطالعات اجتماعی پنجم مقدماتی، درس چهارم، ص ۲۱ و ۲۲



- ۱- آسان شدن متن درس (به‌خاطر بهتر به یاد داشتن و تفهیم بیشتر).
- ۲- محدود شدن حجم کتاب (در حد مفید و مختصر جهت یادگیری بهتر).
- ۳- متن براساس قدرت یادگیری و سطح رشد ذهنی کودک نوشته شده است.
- ۴- در فرایند ارائه مطالب روند عینی به انتزاعی در نظر گرفته شده است.
- ۵- روان بودن مطالب به طوری که دانش‌آموزان به تنهایی قادر به خواندن متن باشند.
- ۶- پیام‌های اخلاقی - تربیتی به شیوه غیرمستقیم.
- ۷- متن متناسب با شرایط زندگی روزمره‌ی کودکان نوشته شده است.
- ۸- با توجه به نیازهای حال - آینده و علائق کودکان نوشته شده است.
- ۹- بسیاری از مفاهیم به دنیای کودکان تعلق دارد.
- ۱۰- گنجینه واژگان براساس توانمندی کودک تهیه شده است.
- ۱۱- عدم استفاده از مفاهیم و اصطلاحات گسترده در مورد تاریخ و جغرافیا و مدنی.
- ۱۲- تکیه بر فرازهای تاریخی.
- ۱۳- توجه به جایگاه زمان.
- ۱۴- طراحی تصاویر به طوری که باعث شادابی و نشاط گردد.
- ۱۵- فعالیتهای یادگیری از آسان به مشکل تنظیم شده است.
- ۱۶- استفاده از گفتار خوانی جهت رشد مهارت‌های زبانی.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالب ذکر شده متوجه شدیم که حجم کتاب با ادامه در صفحه ۳۴

1) Cognitive drive

سابقه ذهنی کمتری دارند یادگیری را بسیار آسان‌تر می‌کند. همچنین معلمانی که جلسات درس خود را با پیش سازمان‌دهنده آغاز می‌کنند مطالب تازه‌ی درسی آنها برای یادگیرندگان معنی‌دار جلوه می‌کند و روش آموزشی آنان به یادگیری بیشتر در دانش‌آموزان می‌انجامد. بدیهی است با علم به این مطالب دروس مطالعات اجتماعی ناشنویان براساس مطالب پیش سازمان‌دهنده عنوان شده و هر درس با توجه به مطالب قبلی سازمان یافته شده عنوان شده است.

۷- انگیزش و یادگیری معنی‌دار

در نظریه آروبل مهم‌ترین عامل انگیزشی مؤثر بر یادگیری معنی‌دار سائق شناختی است.^۱ سائق شناختی یک انگیزه درونی است که نتیجه کنجکاوی، علاقه و ادراک یادگیرنده است. رابطه بین سائق شناختی و یادگیری، رابطه‌ای دو جانبه است. یعنی یادگیری همراه با موفقیت به ایجاد سائق شناختی منجر می‌شود و سائق شناختی نیز یادگیری را افزایش می‌دهد. پس سائق شناختی هم می‌تواند علت یادگیری محسوب شود. بنابراین اگر برنامه‌های درسی به گونه‌ای تنظیم شوند که موفقیت شاگردان را دربر داشته باشند خود عواملی کارساز و دروسی برای پیشرفت یادگیری به شمار می‌آیند و یادگیرنده در گذشته یعنی در کتب تعلیمات اجتماعی به‌خاطر عدم استفاده روزمره یا استفاده معنی‌دار از موارد را به آموختن بیشتر مشتاق می‌سازند و نیازی نیست که انگیزه لازم را در او به وجود آوریم تا شاگرد به یادگیری رغبت نشان دهد. به این جهت هر چه شاگردان بیشتر احساس موفقیت درسی داشته باشند و کمتر با شکست و ناکامی مواجه شوند سطح انگیزش و سائق شناختی آنان بالاتر می‌رود.

با توجه به تمامی این موارد که از ابتدا ذکر نمودم ویژگی‌های کتاب مطالعات اجتماعی را به اختصار

عنوان می‌نمایم:

